

بائیز

برگ ریزان سرخ وزرد خزان  
آتش افزوده به دامن باغ  
در غبار کبود شاخ گلشن  
پر درختی به کف هزار چراغ  
با نواهی باد، می رقص  
قطره های بلور باران نیز  
بر سر شاخه، شادی رقص

چمن نیز چون هر بر لطف  
روی آن نقش از پوکت زرد

کس نداند چه می شود فردا  
باید امروز را تمام کرد...

برگ آ - مرغکان زین اند  
گشت دیوانه شان طلاق زینت  
بس دل انگیز تر ز باغ بهار  
گلشن ز رنگار بائیزت

x x x

لندن . اکتبر ۱۹۸۲

زاده

